

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: Y4N 5787855 ISSN-P: 2717-1132

بررسی و شناخت کیفی جرایم اقتصادی با مذاقه

و مقایسه با جرایم مشابه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۴/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۶/۱۲)

پوریا پورمحمدی^۱

عضو مرکز وکلا، کارشناسان و مشاوران خانواده قوه قضائیه

پژمان نوری

کارشناسی ارشد حقوق ثبت

چکیده

جرم اقتصادی یکی از مفاهیم جدید جامعه مدرن است که به لحاظ تهدیدات آن نسبت به ثبات و امنیت جوامع، سنتها و ارزشهای دموکراسی، ارزشهای اخلاقی و عدالت، توسعه پایدار و حاکمیت قانون بیش از پیش موجب نگرانی شده است. جرایم اقتصادی انواع مختلفی دارند که از کلاهبرداری گرفته تا پولشویی و اختلاس را شامل می شود اقتصاد به عنوان یکی از اساسی ترین پایه های اقتدار هر کشور باید بر اساس قواعد و اصول علمی و مبتنی بر واقعیات باشد تا چرخه مالی کشور با مشکل مواجه نشود. بیشتر مشکلات جوامع ریشه در مشکلات اقتصادی دارد که نیازمند برنامه ریزی مدیران و اقدامات کلان است تا جامعه بتواند با خیال راحت به امور مشترک خود بپردازد. گذشته از این، ایده تاثیر ناامنی اقتصادی در سلب اعتماد مردم از دولتمردان به دلیل وجود این مفاسد مطرح است. پس فهمیدیم همان طور که از نام جرایم مالی و اقتصادی پیداست به جرایمی گفته می شود که موضوع آن اموال اشخاص است و باعث از دست رفتن اموال آنان و در نهایت آسیب به نظام اقتصادی می شود. جرایم مالی و اقتصادی به خصوص در شرایط اقتصادی فعلی بخش مهمی از پرونده های مطرح در مراجع قضایی را تشکیل می دهند و همین مساله به اهمیت آشنایی بیشتر با این جرایم و نحوه شکایت از آن ها در مراجع قضایی می افزاید. به همین دلیل در این مقاله قصد داریم به بررسی و شناخت کیفی جرایم اقتصادی با مذاقه و مقایسه با جرایم مشابه بپردازیم و این موضوع را مورد مذاقه و بررسی دقیق قرار دهیم.

واژگان کلیدی: جرایم اقتصادی، جرایم مالی، فساد اقتصادی، حقوق مالی، اقتصاد، اختلاس، سرقت

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: بررسی و شناخت اقتصاد در اسلام و تاثیر آن در بزهکاری از دیدگاه فقه اسلامی

جرم اقتصادی جرمی است که علیه اقتصاد کشور رخ می دهد و موجب سردرگمی و اختلال در نظام اقتصادی کشور می شود. در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی اخلال در نظام اقتصادی کشور یعنی جرایم اقتصادی در سطح کلان، افساد فی الارض تلقی شده و برای مرتکب مجازات اعدام تعیین شده است، اما انواع دیگری نیز وجود دارد. جرایم اقتصادی و برخی از این جرایم اقتصادی در قانون گنجانده شده است. مجازات اسلامی و برخی در قوانین دیگر تعریف شده است. اقتصاد سالم یکی از نیازهای حیات جوامع بشری است و بدون داشتن یک اقتصاد پویا افراد جامعه نمی توانند به سعادت نایل آیند. و یک جامعه که از نظر اقتصادی در هم ریخته است یک جامعه رو به رشد نخواهد بود. اسلام برای ایجاد محیط اقتصادی مناسب سیاست اقتصادی خاصی را ارائه داده و در این سیاست ضمن احترام به مالکیت خصوصی و تشویق و ترغیب مردم به تلاش و کوشش فراوان جهت بهبودی اوضاع مالی خود و جامعه از یک طرف با فقر و تنگدستی به مبارزه برخاسته و هم افراد را برای رهایی از آن به کوشش و می دارد، و هم اولیاء جامعه را به برنامه ریزی دقیق و رفع مشکلات کلان اقتصادی جامعه موظف می کند و هم روحیه تکاثرطلبی و دنیاگرایی را برای تعدیل تقسیم امکانات مادی در جامعه تقبیح دانسته است و روابط مالی افراد را قانونمند نموده و تحصیل مال بی جهت را تحت هیچ عنوانی جایز نمی داند و آن را « اکل المال بالباطل » محسوب کرده است. رهبران اسلام که به اثرات دهشت بار فقر آگاه بودند و فقر و ناداری و در هم ریختگی اقتصادی را از بلاهای کشنده می دانستند با تعبیر هشدار دهنده سعی بر آن داشتند مردم را از وادی فقر رهایی و جامعه را به سوی کسب اقتصادی سالم رهنمود نمایند. پیامبر اسلام صلی اله علیه و آله درباره فقر می فرماید: « کاد الفقر ان یكون کفرًا »^۱ (یعنی: فقر و ناداری متقارن با کفر است)، زیرا بسیاری از انحرافات فکری و اعتقادی از فقر سرچشمه می گیرد، و امام علی علیه می فرماید: « الفقر الموت الاکبر »^۲ (یعنی فقر مرگ بزرگ است). از فقر به مرگ بزرگ از آن جهت تعبیر شده است که « انسان فقیر هر روز چندین بار روحش به حال مرگ و مردن می رسد، هر قوت که بیاد نیازهای

^۱ مجلسی - محمد باقر - بحار الانوار - ج ۷۲ - دارالحیاء التراث العربی، چاپ سوم ۱۹۸۳ ص ۲۹

^۲ حکمت ۱۵۴ نهج البلاغه

ضروری خود می افتد مرگ را مشاهده می کند).

بخش دوم: ماهیت جرایم اقتصادی و تعریف آن

جرایم اقتصادی معمولاً در بستر یک بنگاه اقتصادی، موسسه یا شرکت رخ می دهد. حقوق کیفری اقتصادی، هم حقوق کیفری تجاری و هم فراتر از آن می باشد. در واقع حقوق کیفری اقتصادی دو رسالت عمده بر عهده دارد: ۱- حمایت از منافع خصوصی افراد. ۲- مدیریت اداره ی اقتصاد کشور. (تضمین منافع جمعی و منافع دولت) اگر بخواهیم این دو را از هم تفکیک کنیم حقوق کیفری تجاری منافع خصوصی تجار و شرکت ها را تضمین می کند. در حالی که حقوق کیفری اقتصادی فراتر از منافع یک عده ی خاص است.^۱ اما ماهیت حقوق کیفری اقتصادی بر اثر اینکه نوع نظام ما از جهت اقتصادی لیبرال یا ارشادی باشد متفاوت است. در نظام ارشادی حضور دولت پررنگ است. لذا حقوق کیفری اقتصادی گسترده تر است. ولی، در نظام لیبرال چون حمایت از سرمایه مهم است فی المقدور تخلفات اقتصادی با ضمانت اجراهای صنفی، اداری و غیر کیفری پاسخ داده می شود. در مورد جرایم اقتصادی یک جامعیت در تعریف و مصادیق آن وجود ندارد. ولی راجع به آیین دادرسی خاص جرایم و مجازاتها اکثر حقوقدانان به یک جمع بندی کلی رسیده اند که ذیل حقوق کیفری اقتصادی قرار می گیرند. در حقوق داخلی هیچ گونه تعریفی از جرم اقتصادی وجود ندارد و با خلاء قانونی روبرو هستیم.^۲ در یک رای دیوان کشور فرانسه جرم اقتصادی چنین تعریف شده است: ^۳ جرم اقتصادی جرمی است که مربوط به تولید، توزیع و جریان و مصرف کالا و تولیدات می شود. برای جرایم اقتصادی وجود ۴ عامل ضروری است: ۱- وجود ساختارها و مبنای اقتصادی سالم: جرم اقتصادی در یک بستر سالم و در قالب قرارداد و روابط اقتصادی و با همکاری نهادهای دولتی یا به صورت مستقل صورت می گیرد. در سازمان های مافیایی که ذاتاً مجرمانه اند جرم اقتصادی نداریم. ۲- کنارگذاری عنصر خشونت. ۳- جرم اقتصادی با نوعی فرصت طلبی مجرمانه ملازمه دارد: این فرصت طلبی ارتباط تنگاتنگی با درجه ی هوش و صلاحیت حرفه ای و شغلی مرتکبین و میزان اعتماد

^۱ پیشین، ص ۲۲۲

^۲ میر محمد صادقی، حسین، جزای اختصاصی ۳، ص ۳۱۱

^۳ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ترجمه احمد آرام، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی تهران ۱۳۸۷ ص ۳۲۰



افراد به آنها دارد. این بزهکاران برای جامعه خطرناک ترند چون هم جامعه پذیرند هم از سازگاری اجتماعی بالایی برخوردارند. ۴- اصولاً در جرایم اقتصادی مرتکبین به دنبال کسب سود و پول هنگفت هستند.

بخش سوم: تعریف « جرائم مالی » و « جرائم اقتصادی »

بند اول: جرائم مالی^۱

به این دسته از جرائم « جرائم علیه اموال »^۲ هم می گویند. و آن « جرائمی است که در آنها تجاوز به مال افراد جامعه یا به اموال عمومی صورت گیرد. مانند: سرقت، خیانت در امانت، حرق اموال دولتی که در اعتصابات پیش می آید.»^۳ مصادیق این نوع جرایم در قوانین جزایی تحت عناوین مذکور و عناوین دیگری مانند: کلاهبرداری، تخریب اموال منقول و غیر منقول و کشتن و مسموم یا تلف و ناقص کردن حیوانات حلال گوشت متعلق به دیگری، اتلاف اسناد و اوراق تجاری دیگری، ذکر شده است.

بند دوم: جرائم اقتصادی

بحث از جرایم اقتصادی در حیطه « حقوق اقتصاد کیفری » یا « حقوق جزای اقتصادی » می باشد. حقوق جزای اقتصادی، « آن رشته از حقوق جزاست که به تعرضات علیه نظام مالی و اقتصادی و اجتماعی و همچنین به نحوه و کیفیت حیات انسانی می پردازد و این تعرضات را مورد مجازات قرار می دهد.»^۴ به عبارت دیگر این رشته از حقوق جزا نه تنها نظام اقتصادی جامعه را مد نظر داشته بلکه چون تعرضی علیه نظام اقتصادی است، نظام اجتماعی را متزلزل نموده و در شئون مالی افراد جامعه تاثیر بسزایی می گذارد و در حقیقت نحوه و کیفیت حیات انسانی را مورد تهدید قرار می دهد، به بررسی هر نوع تعرض اقتصادی محل نظام اجتماعی و حیات انسانی پرداخته می شود. با توجه به تعریف بیان شده است رشته « حقوق جزای اقتصادی » می توان گفت جرم اقتصادی آن عملی است که در آن به نظام اقتصادی کشور صدمه وارد کرده، بطوریکه نظام اجتماعی جامعه را تحت شعاع

^۱Property offences

^۲Offences Against Property

^۳جعفری لنگرودی - محمد جعفر - مبسوط در ترمینولوژی حقوق ج ۲ - گنج دانش - تهران ۱۳۷۸ - ص ۱۵۳۲

^۴تقریرات درس استاد دکتر جعفر کوشا



قرار می دهد و اختلاس، ارتشاء، ربا، احتکار، رقابت مکارانه، گران فروشی، تقلب و دسیسه، جعل اوراق و اسناد بهادار و اسکناس و نیز جرائم مالی که به صورت سازمان یافته چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی صورت می یابد نیز از جرایم اقتصادی محسوب می شود. بطور کلی هر عملی که اخلاص در نظام اقتصادی جامعه را فراهم نماید و قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد جرم اقتصادی است. در اسلام قواعد و اصول کلی وجود دارد که با تمسک به آن می توان هر عملی را که به نوعی تعرض به حقوق مالی افراد و جامعه باشد مجرمانه تلقی نمود، گذشته از این به مجرمانه بودن برخی از اقدامات علیه اموال و نظام اقتصادی کشور به صراحت اشاره شده است. برخی از این اصول و قواعد عبارتند از: اصل نفی ظلم، اصل نهی از فریب مؤمن، اصل نفی از خیانت، اصل رعایت عدل و قسط اصل عدم اخلاص در بازار مسلمی و غیره.

بخش چهارم: تفاوت «جرائم مالی» و «جرائم اقتصادی»

تفاوت هایی که این دو دسته از جرائم داشته با توجه به تعاریفی که از آنها بیان شده عبارتند از: «جرم مالی یک جرم عمومی است»^۱ و در چهار چوب حقوق جزای اقتصادی می گنجد. مثل: کلاهبرداری، که یک فرد با توسل به اسباب متقلبانه مال دیگری را می برد و یا سرقت که ربودن مال غیر بطور پنهانی است. در جرایم مالی اگر چه در نهایت به جامعه لطمه وارد می شود، ولی چون نوعاً اقدام یک یا دو نفر علیه یک و چند نفر است، به طور مستقیم نظام اقتصادی جامعه را تهدید نمی کند، اما جرم اقتصادی فراتر از یک جرم مالی است زیرا جرائم راساً نظام اقتصادی و علاوه بر آن نظام اجتماعی را به مخاطره می اندازد، و در قالب یک جرم ملی جلوه می کند. و حتی گاهی بصورت یک جرم بین المللی مطرح است. در عوامل مؤثر در مجازات مجرمین در جرائم مالی و جرائم اقتصادی تفاوت است. برای تعیین میزان مجازات و شدت و قلت آن نوعاً شاخصهای در نظر گرفته می شود، در جرائم عمومی موارد زیر را می توان به عنوان شاخص های احتمالی برای تعیین شدت جرم ذکر کرد: «خصوصیات مجرم، خصوصیات قربانی، شرایط و اوضاع و احوال جرم و ارزش غیر مالی اموال مثل مالی که صرفاً دارای ارزش عاطفی برای قربانی جرم می باشد.»^۲ البته گاهی

^۱ کوشا - جعفر - پیشین، ص ۳۳

^۲ میر محمد صادقی - حسینی - تحلیل مبانی حقوق جزا - جهاد دانشگاهی شهید بهشتی - چاپ دوم - تهران ۱۳۷۴



ارزش مال هم مورد توجه است ولی باید توجه داشت که نه ارزش مال فقط یکی از راههای ارزیابی میزان صدمه وارده است، و نمی توان آنرا یک معیار قطعی تلقی کرد.^۱ در جرائم اقتصادی برای تعیین مجازات مجرمین نباید این عوامل را به عنوان عوامل اصلی تعیین میزان مجازات مدنظر داشت، زیرا این دسته از جرائم بر خلاف جرائم اقتصادی نظام محسوب نمی شوند تا فقط حقوق افراد در آن لحاظ شده باشد، بلکه در جرائم اقتصادی نظام اقتصادی جامعه مورد تعرض قرار می گیرد لذا باید صرف نظر از اینکه مجرم چه کسی است و قربانیان مستقیم این جرایم چه خصوصیتهایی دارند و اوضاع و احوال جرم چگونه بوده است، و ارزش غیر پولی و پولی اموالی که در راستای ارتکاب این جرائم مورد تعرض بوده چه میزان می باشد به تعیین مجازات پرداخت و به میزان خسارت و آسیبی که به نظام اقتصادی جامعه وارد شده و اثرات روحی و روانی که این گونه جرائم در حد کلان در جامعه از فرد باقی می گذارد و منجر به اخلال در روابط اقتصادی افراد می گردد و به میزان تعرضاتی که به نظام اجتماعی ملتهم از صدمات وارده به نظام اقتصادی وارد می شود عنایت داشت.

بخش پنجم: بررسی و تحلیل عنصر ضرر در جرایم اقتصادی

یکی از شرایط تحقق جرائم اقتصادی ایجاد ضرر و زیان به افراد جامعه است. در صورت عدم تحقق این شرط جرم اقتصادی محقق نشده است. البته این ضرر و زیان گاهی بالفعل است مثل ضررهایی که از گران فروشی، احتکار، ربا، قاچاق کالا، استفاده از اسناد و نوشته های مجعول به جامعه وارد می شود و گاهی بالقوه خواهد بود، مثل جعل اسکناس یا سکه یا اسناد. با توجه به اینکه هر نوع جرمی ماهیتاً در بردارنده نوعی ضرر و زیانی خواه مادی و خواه معنوی به افراد جامعه می باشد، و اصولاً جرم انگاری نسبت به فعل یا ترک فعل توسط قانونگذار ناشی از این است که این عمل برای امنیت جامعه و یا عدالتی که باید در جامعه افراد از آن برخوردار باشند مضر است، تصریح به عنصر ضرر در جرائم اقتصادی به این علت است که این گونه جرائم از نظر اقتصادی نظم جامعه را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد و آثار آنی آن در جامعه از ضررهای جرایم دیگر بیشتر و ملموس تر است. و از طرف دیگر

غالباً مرتکبین جرایم اقتصادی با انگیزه های مالی و مادی اقدام به این گونه اعمال مجرمانه نموده و تاثیر اعمال آنها گاهی تمام جامعه یا بخش قابل توجهی از آن را تحت شعاع قرار می دهد. بنابراین جرم انگاری در این گونه اعمال صرفاً جهت جلوگیری از ضررهای ناشی از آن است، چنانچه این اعمال در بردارنده ضرری نباشد نمی تواند در جرگه این جرائم محسوب شود. قاعده لاضرر: "لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام"، حکم ضرری در اسلام وضع نشده است.^۱ یکی از جرائم متداول اقتصادی در جوامع بشری سوء استفاده مأمورین دولتی از اموال عمومی که در اختیار آنها بر حسب وظیفه گذاشته شده است میباشد. این اموال از آن جهت که مالک خاصی نداشته و اصولاً مربوط به بیت المال و همه مردم و جامعه بوده و نظارت بر آنگونه که در اموال شخصی وجود داشته ندارد، و از طرفی نوعاً افرادی که از این اموال با انواع تصرفات سوء استفاده می نمایند سلطه بر آن داشته و استفاده و نگهداری از این اموال بر عهده آنها می باشد، بیشتر و راحت تر مورد تعرض قرار می گیرد. سوء استفاده از اموال عمومی از اعمال مجرمانه ای است که به فساد اقتصادی در جوامع دامن زده وید بینی و انزجار رادر بین ملت ها نسبت به قوای حاکم ایجاد کرده است. این جرم از آن جهت که اولاً متوجه اموال است، و ثانیاً وقوع آن امنیت اجتماعی را مختل می سازد، دارای دو جنبه می باشد. اول جرایم علیه اموال است و جنبه دیگر جزء جرائم علیه آسایش عمومی^۲ خواهد بود. به طور کلی می توان گفت این بزه هم دارای جنبه خصوصی است چه اینکه ممکن است اموال اشخاص مورد اختلاس قرار گیرد، هم جنبه عمومی می باشد. لیکن چون اختلاس با نظم عمومی ارتباط نزدیک داشته جنبه عمومی آن بر جنبه دیگرش تغلب دارد. از طرفی شائبه حق الهی بودن اختلاس نیز وجود دارد. اختلاس را می توان باتوجه با اینکه یکی از جرائم علیه اموال است و دارای اثرات سوء علیه عامه مردم و جامعه بوده و موجبات اخلال در نظم عمومی را فراهم می کند از " جرائم اقتصادی " به شمار آورد. قبل از اینکه ارکان مادی و معنوی و سیاست کیفری قانونگذاری را در خصوص اختلاس بررسی کنیم به چند مطلب اشاره می شود

بخش ششم: تعریف " اختلاس در معنای لغوی، فقه و حقوق "

^۱ القواعد الفقهیه، ج ۶، صص ۹۰، ۱۲، ۷۸ و اصل ۴۰ و بند ۴۳ قانون اساسی

^۲ رضائی - احمد - اختلاس بررسی فقهی و حقوقی، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی - چاپ اول ۱۳۸۰



اختلاس در معنای ربودن، زود ربودن، سلب کردن می‌باشد. و همچنین در معنای سوء استفاده مالی توسط شخص مسئول می‌باشد.^۱ کلمه "اختلاس" مصدر باب افتعال، کلمه ای عربی است و ریشه آن "خلس" می باشد. در زبان عربی به معنای نوعی گرفتن و سلب کردن توام با سرعت و غفلت دیگران استعمال می شود. در لغت نامه دهخدا آن را "ربودن مال از غیر حرز، مانند گوسفندی که از چراگاه می ربایند" ^۲ تعریف کرده اند. فقها هرکس مالی را از غیر حرز بدون سلاح و بدون زور اخذ و ببرد مختلس نامیده اند. اختلاس در حقوق: "اخذ یا تصاحب اموال دولتی یا اموال شخصی که به حکم قانون در اختیار کارمند دولت یا کسی که در حکم او است به نفع خود یا دیگری"^۳. از وجود اشتراک آن دومیتوان عنصر ربودن به قصد تملک و قصد مجرمانه داشتن در عمل ربودن، و نیز نوع مجازات که در هر دو تعزیری است نام برد. و در ویژگی مرتکب که در اصطلاح حقوقی اختلاس، مختلس باید کارمند یا در حکم کارمند باشد و در فقه اعم از این است و نیز در موضوع این بزه که در فقه مال منقول است و در حقوق اعم از آن است، و در فقه این بزه جنبه خصوصی داشته، ولی در حقوق جنبه عمومی دارد.^۴ در رابطه با سوء استفاده از اموال عمومی و بیت المال در فقه اسلامی به دو عنوان مجرمانه دیگر اشاره شده است: سرقت از غنایم جنگی و سرقت از بیت المال، این دو عمل را که در لیست اعمال مجرمانه قرار گرفته است میتوان آنرا با آنچه امروزه در نظامهای حقوقی اختلاس می نامند تطبیق داد.

بند اول: تفاوت اختلاس و "خیانت در امانت"

تشابه عناصری که رکن مادی بزه های "اختلاس" و "خیانت در امانت" را تشکیل می دهند، مانند: تصاحب کردن: "و یا تلف کردن مال"، از علل اصلی ایجاد این موضوع شده است که برخی از حقوقدانان حتی عرف جامعه بزه "اختلاس" را همان "خیانت در امانت" یا مصداق اشد آن بدانند.^۵ از طرفی چون در رکن معنوی هر دو بزه تحقق "سوء نیت عام" و "سوء نیت خاص" شرط است، این شباهت ملموس تر شده است. با جود این وجود

^۱ فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۴۰۰

^۲ ر.ک - الطباطبایی - سید علی - ریاض المسائل - ج ۱۰ - دارالهادی - بیروت - بی تا - ص ۲۱۹

^۳ شامبیاتی - هوشنگ - پیشین ص ۱۳۵

^۴ ر.ک. رمضانی - احمد - پیشین ص ۴۵

^۵ جهت آشنایی بیشتر به موارد ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین... رجوع شود.



افتراقی این دو بزه را جدا ازهمدیگر قلمداد نموده ودوعنوان مجرمانه مستقلى را تشكيل داده است. این وجوه افتراق عبارتند از:

ازجهت مرتكب: در بزه " اختلاس " مرتكب بايد كارمند يا شخصى كه درحكم كارمند است باشد. ليكن در " خیانت در امانت " سمت وخصوصياتى براى مرتكب در نظر گرفته نشده است، لذا مى تواند كارمند يا غيركارمند باشد.^۱

عنصر " حسب وظیفه ": در "اختلاس" مال برحسب وظیفه استخدامی به مرتكب سپرده شده است ووى آن را اخذ يا تصاحب مى نمايد، ولى در "خیانت در امانت" مال براساس عقدى از عقود با ايجاد رابطه اى از روابط حقوقى دراختيارمرتكب قرار داده مى شود. بنابراین ید مرتكب بزه " خیانت در امانت " يا خائن " ید امانى " است ولى ید مختلس امانى نمى باشد.^۲ تشخیص وظیفه كه عنصر مهم بزه " اختلاس " است، همان سر حد تمییز جرم " خیانت در امانت از "اختلاس" مى باشد. بدین ترتیب اگر سردفتر اسنادرسمى كه حسب دستور اداره ثبت اسناد واملاك متصدى فروش تمبر اسناد بوده وجوهى را به نفع خود يا ديگرى برداشت وتصاحب نمايد عمل وى مشمول جرم " اختلاس " خواهد بود، ولى اگر ثمن معامله را كه متعاملين براى انجام معامله نزد او سپرده اند تصاحب كند عمل او "خیانت در امانت" است^۳، زیرا نگهدارى ثمن معامله از وظايف وى نبوده است، و ثمن برحسب وظیفه ادارى به وى سپرده نشده است.^۴

از نظر مجازات: اگر چه مجازات تعيين شده هر دو بزه از نوع تعزير است، اما قانونگذار ميزان كيفر مرتكب هريك رامتفاوت قرارداده است. در ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامى مجازات حبس از شش ماه تا سه سال براى خائن در نظر گرفته شده است، ودر ماده ۵ قانون تشديد چنانچه ميزان اختلاس تا پنجاه هزار ريال باشد شش ماه تا سه سال حبس و به همين

^۱ جعفرى - عبدالملك - موسوعه الجنايه - ج ۱ - پيشين ص ۴۳۴

و رمضانى - احمد - پيشين ص ۹۵

و شامبىاتى - هوشنگ - پيشين ص ۱۳۳

^۲ رمضانى - احمد - پيشين ص ۹۵

^۳ شامبىاتى - هوشنگ - پيشين صص ۱۳۷ - ۱۳۸

و مير محمد صادقى - محمد حسين - پيشين ص ۱۴۵

^۴ به نظريه شماره ۷/۳۷ مورخ ۷۰/۳/۲۷ اداره حقوقى قوه قضائيه رجوع شود



میزان انفصال موقت و چنانچه بیش از این مقدار مورد اختلاس قرار قرار گرفته باشد به دوتا ده سال حبس و انفصال دائم و رد وجه یا مال مختلس و جزای نقدی به میزان دو برابر آن تعیین شده است. برخی از حقوقدانان نحوه احراز سوء نیت مختلس یا خائن را متفاوت دانسته و آن را یکی از وجود افتراق این دو محسوب کرده اند. توضیح اینکه دراختلاس به تصاحب و تصرف مالکانه درمال مورد اختلاس "سوء نیت" محرز میگردد^۱، ولی در خیانت در امانت معمولاً پس از یک اقدام قضائی، نظیر ارسال اظهار نامه و ابلاغ آن و عدم استرداد مال، سوء نیت محرز می گردد. به نظر می رسد اقدامات مزبور در احراز "سوء نیت" خائن دخالتی نداشته باشد، چه اینکه امین پس از فرا رسیدن مهلت تحویل یا در خواست مالک چنانچه از استرداد آن به علت استعمال یا تصاحب یا تلف و مفقود شدن خودداری نماید، سوء نیت وی محرز است.

بند دوم: رکن مادی "اختلاس"

رکن مادی اختلاس براساس تعریفی که قانونگذار ایرانی ازاین بزه در ماده ۵ قانون تشدید آورده است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در رکن مادی اختلاس چهار عنصر مورد بررسی و بحث خواهد بود: موضوع، سمت مرتکب و سبب اختلاس و عنصر ضرر. در ماده ۵ قانون تشدید "وجه یا مطالبات یا حواله ها یا سهام و اسناد اوراق بهادار و یا سایر اموال" به عنوان موضوع اختلاس ذکر شده است. به طور کلی می توان مال را به عنوان موضوع اختلاس معرفی کرد. مرتکب چنانچه مالی را که بر حسب وظیفه به وی سپرده شده است تصاحب نماید، بزه اختلاس محقق شده است. در تعریف مال، از نظر حقوق، دو شرط اساسی نهفته است: اول اینکه مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیازی مادی باشد یا معنوی، و دوم اینکه به شخص یا ملت معینی قابل اختصاص باشد.^۲ البته برخی به "آنچه دارای ارزش اقتصادی است" ^۳ مال اطلاق کرده اند. "اموال" در یکی از تقسیمات به دو دسته "اموال منقول" و "اموال غیر منقول" تقسیم می شوند. در قوانین موضوعه کلمه "اموال" بکار رفته است و قانونگذار اشاره ای به مرادش کلیه اموال است تا شامل اموال غیر

^۱ رمضانی - احمد - پیشین ص ۹۵

^۲ کاتوزیان - ناصر - حقوق مدنی (اموال مالکیت)، موسسه نشر یلدا - چلپ اول ۱۳۷۴ - تهران ص ۱۱

^۳ ولیدی - محمد صالح - پیشین ص ۹۰



منقول هم بشود یا موضوع اختلاس فقط شامل اموال منقول خواهد بود نکرده است. و این امر موجب اختلاف در تعیین موضوع اختلاس از این حیث شده است. عده ای با تمسک به اطلاق کلمه "اموال" که در ماده ۵ تشدید. آمده است و قانونگذار این کلمه را قید و به اموال منقول نکرده است، براین عقیده هستند که اموال غیر منقول هم می تواند موضوع اختلاس قرار گیرد.^۱ نظریه دیگر این است که در اینکه کلمه "اموال" مذکور در ماده ۵ قانون تشدید. مشمول "اموال غیر منقول" هم بشود شک وجود دارد، و در مقام شک باید به قدر متیقن که همان "اموال منقول" است اکتفا نماییم. بنابراین "اموال غیر منقول" مشمول موضوع اختلاس نمی باشد. از طرفی باتوجه به معنای فقهی اختلاس که ربودن مال از غیر حرز است، و ماهیت آن در حقوق که "ربودن" می باشد، و این ربودن فقط شامل اموال منقول می گردد حق این است که موضوع اختلاس را محدود به اموال منقول کنیم.^۲ باتوجه به ماده ۵ قانون تشدید. چنین استنباط می شود می شود که مراد قانونگذار از کلمه "اموال" همانگونه که برخی از حقوقدانان عقیده داشته و نظر اداره حقوقی قوه قضائیه هم هست، اموال منقول می باشد. چه اینکه قانونگذار در این ماده قبل از کلمه "سایر اموال" مصادیقی را ذکر می کند که همه جزء اموال منقول هستند جهت حفظ سیاق کلام باید اذعان نمود، مراد از کلمه "سایر اموال" اموالی است که مانند مصادیق مذکور قبل از آن منقول باشد. در ماده ۳۵۹ قانون عقوبات لبنان هم به صراحت بیان شده است موضوع اختلاس باید مال منقول باشد.^۳ مالی که مورد اختلاس قرار می گیرد فرقی ندارد دولتی باشد یا خصوصی. آنچه ملاک در تحقق موضوع اختلاس است این است که مال برحسب وظیفه به مستخدم یا کسی که در حکم حکم مستخدم است سپرده شده باشد. در موردی که مال شخصی است لازم نیست که مالک مال شخصی بعینه مشخص باشد زیرا اطلاق قانون در این خصوص اقتضاء می کند چنانچه مستخدم در اموال شخصی هم که مالک وی بعینه مشخصی نیست مرتکب اختلاس شود مستحق کیفر تعیین شده باشد.

بخش هفتم: سبب اختلاس

^۱ ر.ک. شامبیاتی - هوشنگ - پیشین ص ۱۳۶ و ولیدی - محمد صالح - پیشین ص ۹۱

^۲ کشاورز - بهمن - مجموعه محشای قانون تعزیرات - گنج دانش - چاپ دوم - ۱۳۷۶ - تهران ص ۱۵۱

^۳ محمد زکی ابوعامر و سلیمان عبدالمنعم - پیشین ص ۵۰۴



بند اول: برداشت و تصاحب

یکی از عناصر تشکیل دهنده رکن مادی اختلاس وقوع "برداشت" و "تصاحب" اموال دولتی یا اموالی می باشد که به مستخدم دولتی یا فردی که در حکم مستخدم دولتی است تحویل شده است. قانونگذار برای تحقق این جرم وقوع عمل "برداشت" و "تصاحب" را شرط دانسته است. این دو کلمه دو معنا مستقل از همدیگر دارند. معنا کلمه "برداشت" اعم از "تصاحب" است چه اینکه "برداشت" ممکن است با قصد تصاحب باشد یا بدون چنین قصدی. اگر قانونگذار از این دو کلمه یک معنا قصد کرده، و مرادش "برداشت توأم با قصد تملک" باشد، در این صورت، چنانچه مستخدم بدون قصد تملک مالی را بردارد اختلاس صورت نگرفته است، ولی اگر مراد از هر یک از این دو کلمه معنای مستقل خودش باشد، هر نوع برداشتی، ولو در آن قصد تصاحب و تملک نباشد سبب اختلاس محقق شده است. به عبارت دیگر هر نوع تصرفی که در آن نفعی برای مرتکب به همراه داشته باشد، اختلاس است.

بند دوم: حسب وظیفه

از عناصر دیگر تشکیل دهنده رکن مادی اختلاس این است که اموال مورد اختلاس حسب وظیفه به مرتکب سپرده شده باشد. صرف اینکه مستخدم اموال عمومی مربوط به اداره یا سازمان یا شرکت دولتی را که خود در آن اشتغال دارد تصاحب کند، مختلس محسوب نمی شود. البته لازم نیست اموال مورد اختلاس بطور مستقیم در اختیار مستخدم قرار گیرد، بلکه چنانچه این اموال به صورت غیر مستقیم به وی سپرده شود برای تحقق اختلاس کفایت می کند. بنابراین چنانچه نگهبان شرکت دولتی که مکلف به حفاظت و نگهداری از اموال داخلی انبار است، بخشی از آن را تصاحب کند مختلس به شمار می آید، اگرچه هر یک از واحدهای کالای موجود در انبار به صورت عملی به وی سپرده نشده باشد در قانون مجازات فرانسه براساس ماده ۴۹۷ تسلیم به کارمند اعتبار شده است. صرف اینکه مال در اختیار کارمند باشد و وی آن را تصرف نماید بزه اختلاس صورت گرفته است. در صورتی که مامور اشیاء سپرده شده به مامورین دیگر را تصاحب کند، سارق محسوب شده و باید کیفر جرم سرقت نسبت به وی اعمال گردد. همچنین اگر ماموری اشیاء سپرده شده به وی را به مامور دیگری سپرده و این مامور پس از در اختیار گرفتن اموال عمومی آن را تصاحب کند



مختلس محسوب نخواهد شد، زیرا اموال بموجب وظیفه به وی سپرده نشده است. البته در این مورد مرتکب خیانت در امانت شده است.

بخش هشتم: بررسی رکن معنوی اختلاس

در رکن معنوی اختلاس همانند بحث ارتشاء هردو عنصر تشکیل دهنده این رکن یعنی "سوء نیت عام" و "سوء نیت خاص" مطرح خواهد شد.

بند اول: سوء نیت عام

وجود قصد مجرمانه برای اعمال کیفر قانونی نسبت به مرتکبین عملیات مجرمانه امری ضروری و حتمی است. عدم احراز این قصد هر مرتکب و فاعلی را از تحمل کیفر رهایی می دهد. اختلاس مانند اکثر جرائم از جرائم عمدی است و به "سوء نیت" نیاز دارد. مرتکب در اختلاس باید عمل ارتكابی را به طور عمد انجام داده باشد، و "عمدی بودن اختلاس به این است که مرتکب با علم بر اینکه عملی انجام می دهد خلاف مقتضای وظیفه امانت داری اوست اقدام به ارتكاب جرم نماید^۱، یعنی "برداشت" و "تصاحب" اموال و یا اشیاء به نفع خود یا دیگری را که رکن مادی اختلاس است با قصد و سوء نیت. از این قصد به "سوء نیت عام" تعبیر می شود. تحقق "سوء نیت عام" به وجود "علم" و "اراده" بستگی دارد. "علم داشته باشد یعنی باید بداند این اموال که در اختیار وی است بر اساس وظیفه شغلی در اختیار وی است بر اساس وظیفه شغلی اختیار وی قرار گرفته است. و علاوه بر آن اراده بر تصاحب مال مختلس نیز داشته باشد.^۲ بنابراین چنانچه مال ناپدید شود یا وسیله قوه قاهره یا حادثه ناگهانی آتش بگیرد یا سرقت و نابود گردد، اتهام اختلاس متوجه وی نخواهد بود.

بند دوم: سوء نیت خاص

اختلاس از جرائم عمدی و مقید به قصد نتیجه می باشد. مقید بودن بزه اختلاس به قصد نتیجه به این معنا است که مرتکب از ارتكاب عملیات اجرائی قصد تحصیل منفعت برای خود یا دیگری و اضرار به دولت یا سازمان های وابسته و یا اشخاص که اموالشان در اختیار مستخدم حسب وظیفه داشته باشد. از چنین قصدی تعبیر به "سوء نیت خاص" می شود. از دیگر شرایط "قصد مجرمانه" تقارن آن با رکن مادی است، چنانچه حین "برداشت" یا

^۱ ولیدی - محمد صالح - پیشین ص ۸۶

^۲ محمد زکی ابوعامر و سلیمان عبدالمنعم - پیشین ص ۵۱۳



"تصاحب" مستخدم فاقد چنین قصدی باشد، لیکن بعد از گذشت مدتی درحالی که هنوز مال برداشت یا تصاحب شده در اختیارش باشد و در ادامه تصرف مالکانه در آن قصد مجرمانه لازم اختلاس کند، بزه موصوف محقق نخواهد شد، زیرا این قصد مجرمانه تقارن با عملیات اجرایی و تصرف مالکانه نداشته است.

بند سوم: مجازات اختلاس

در سیاست کیفری و اعمال مجازات قانونگذار ملاک میزان مجازات را میزان ارزش مال اختلاس شده قرار داده است. این میزان همراه با مقدار کیفر تعیین شده در طول مدت قانونگذاری در ایران متفاوت می باشد. در قانون مجازات عمومی دو ملاک برای میزان وجه اختلاس شده در نظر گرفته شده بود: اول اینکه ارزش آن کمتر از پنج هزار ریال باشد، دوم اینکه ارزش آن بیش از پنج هزار ریال، و نیز چنانچه جمع مبلغ اختلاس شده کمتر از پانصد هزار ریال می بود کیفر خاصی برای آن پیش بینی گردیده بود، در قانون تشدید تا میزان پنجاه هزار ریال مجازات خاصی داشته و بیش از آن نیز دارای کیفر دیگری است. به طور کلی قانون گذار در قانون تشدید مجازات ماده ۵ و تبصره ۶، چهار نوع کیفر برای عاملین اختلاس در نظر گرفته است:

۱. حبس ۲. انفصال از خدمت (موقت و دائم) ۳. رد مال ۴. جزای نقدی. چنانچه ارزش مال اختلاس شده تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و نیز به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و به رد مال و جزای نقدی معادل دو برابر ارزش مال محکوم خواهد شد. و چنانچه ارزش آن بیش از پنجاه هزار ریال باشد محکومیت حبس دو تا ده سال و انفصال دائم و رد مال و جزای نقدی به میزان دو برابر مال خواهد بود. بر اساس تبصره ۴ ماده ۵ قانون تشدید. برای حداقل نصاب دو مبلغ مذکور (تا پنجاه هزار ریال و یا بیش از آن لازم نیست) مرتکب یک دفعه آن را اختلاس کرده باشد، حتی اگر برای چند بار مستخدم مرتکب اختلاس شده باشد و جمع مبلغ اختلاس شده به حداقل نصاب یکی از دو مبلغ مذکور در قانون برسد کفایت می کند.

بخش هفتم: تخفیف و معافیت در مجازات اختلاس

بر اساس تبصره یک ماده یک قانون تشدید... و تبصره ۶ ماده ۵ همان قانون، دادگاهها علیرغم



وجود جهات و کیفیات مخففه، مکلف به عدم اعمال مجازاتی کمتر از حداقل کیفر قانونی شده اند. در اختلاس چنانچه مختلس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال را مسترد نماید، دادگاه بر اساس تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید، او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می نماید، این معافیت در تبصره ۲ ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ هم لحاظ شده بود، با این تفاوت که در آن تبصره، قانونگذار دادگاه را در اعمال این معافیت مخیر نموده، و با آوردن کلمه می تواند این امر را به عهده دادگاه گذاشته بود، لیکن در قانون تشدید... معافیت از تمام جزای نقدی یا قسمتی از آن را تکلیف دادگاه دانسته است. و نیز تفاوت دیگر این است که در تبصره ۲ ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی موضوع معافیت تمام جزای نقدی است ولی در قانون تشدید... موضوع تمام یا قسمتی از آن است.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت مبارزه با فساد در درون هر سیستم و نظامی به عنوان یک امر سلبی، بازدارنده و واکسینه کننده سیستم دارای ضرورت زیاد است، و هر چه مأموریت و رسالت آن مجموعه مهم تر باشد، مبارزه با فساد از اهمیت بیشتری برخوردار می شود. برای مبارزه با فساد باید عوامل شکل گیری و ایجاد آن را نشانه رفت، و در مراحل اولیه از تشکیل آن جلوگیری نمود. لذا شناسایی عوامل فساد و مؤلفه های تعیین کننده در آن جزء اولین گام های مبارزه با فساد به حساب می آید. در گام های بعدی مبارزه با فساد می بایست بر دو مطلب اصلی تأکید نمود. نهایتاً در جمع بندی کلی این مقاله فهمیدیم جرایم اقتصادی انواع مختلفی دارند، از کلاهبرداری گرفته تا پولشویی و اختلاس که در قالب جمع بندی به این بحث خاتمه می دهیم:

پول شویی: پولشویی جرمی است که در آن مجرم برای تحقق آن مرتکب عمل مجرمانه می شود و سودی را که از آن به دست می آورد مشروع جلوه می دهد. این جرم در قانون مبارزه با پولشویی چنین تعریف شده است: «پولشویی عبارت است از: الف - تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید ارتکاب جرم با علم به منشأ مجرمانه آن. ب - تبدیل، مبادله یا انتقال درآمد به منظور کتمان یا کتمان منشأ مجرمانه آن با علم به اینکه مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم حاصل شده است یا کمک به مرتکب جرم به



نحوی که مشمول آثار نباشد. و عواقب قانونی ارتکاب آنجرم اختفا یا کتمان منشا، منبع، محل، انتقال، انتقال یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم به دست آمده است.

اختلاس: اختلاس یکی از رایج ترین جرایم اقتصادی در بین مقامات دولتی است که به معنای گرفتن اموال دولتی و غیردولتی توسط کارمندان دولت است. این جرم در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری «هر یک از کارکنان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها یا شهرداریها و مؤسسات و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا مؤسسات انقلابی» مقرر شده است. و دیوان محاسبات و مؤسساتی که با کمک مستمر دولت یا دارندگان پایگاه قضایی و به طور کلی قوای سه گانه و نیز نیروهای مسلح و مأموران وظیفه عمومی از محل وجوه رسمی یا غیررسمی یا مطالبات یا حواله اداره می شوند. یا سهام و اسناد و اوراق بهادار یا هر اموال دیگری که متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق الذکر یا اشخاصی که حسب وظیفه به آنها سپرده می شود به نفع خود یا دیگری تصرف و تصرف شود اختلاس محسوب می شود و وصیت می شود. تنبیه شدن.

تصرف غیرقانونی: منظور از تصرف غیرقانونی این است که کارمند دولت از اموالی که به موجب وظیفه شغلی به او سپرده شده است بدون اینکه قصد تملک آن را به نفع خود یا دیگری داشته باشد استفاده کند. ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی، تصرف غیرقانونی را چنین دانسته است: «هر یک از کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها یا شهرداریها و مؤسسات و شرکت های دولتی یا وابسته به دولت یا مؤسسات انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که تحت نظارت اداره می شوند. ولی قانونی و دیوان محاسبات و نهادهایی که با مساعدت مستمر دولت یا دارندگان پایگاه قضایی و به طور کلی اعضا و کارمندان قوای سه گانه و نیروهای مسلح و نیروهای مسلح اداره می شود. کارگزاران خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی استفاده غیرمجاز از وجوه نقد یا مطالبات یا حواله یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان ها و مؤسسات فوق الذکر یا اشخاصی که

حسب وظیفه به آنها سپرده شده است، بدون قصد کسب آنها به نفع خود یا دیگران را دارد متصرف غیرقانونی و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت غرامت مشابه به شلاق تا (۷۴) ضربه و در صورت منفعت علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل محکوم می شود. به میزان سود و همچنین در صورتی است که بر اثر سهل انگاری یا زیاده روی، تضییع اموال و وجوه دولتی یا استفاده از آن در مواردی که در قانون اعتبار پیش بینی نشده و یا در موارد دیگر واجب باشد. مازاد بر اعتبار استفاده شده است.

ارتشاء: یکی از آشناترین جرایم اقتصادی ارتشاء و ارتشاء است که در قانون با عناوین ارتشاء و ارتشاء ذکر شده است. طبق ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری «هر کارمند و مأمور دولت اعم از قضایی یا اداری یا شوراها یا شهرداری ها یا سازمان های انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و نیروهای مسلح یا دولتی. شرکتها یا سازمانها دولت وابسته به دولت یا مقامات خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیررسمی برای انجام یا عدم انجام امور مربوط به سازمانهای مذکور، پذیرش مستقیم یا غیرمستقیم پول یا مال یا سند پرداخت یا تسلیم وجه، در قضاوت مرتشی صرف نظر از اینکه موضوع مذکور مربوط به تکالیف مورد قبول باشد در حکم مرتشی است اعم از اینکه موضوع مذکور مربوط به وظایف ایشان بوده یا خیر و انجام آنها بوده یا بوده است. نه بر حسب صلاح و تکلیف، چه در انجام یا عدم انجام آنها، چه مؤثر باشد یا نه.. مجازات خواهد شد.

جعل: جعل جرمی است با دامنه وسیع که یکی از آنها جعل اسکناس به عنوان جرم اقتصادی است. در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی به این جرم اشاره شده است: «هر کس اسکناس یا اسناد بانکی داخلی یا خارجی مانند برات مورد قبول بانک ها یا چک های صادره از بانک ها و سایر اسناد بانکی لازم الاجرا را به دست آورد و همچنین جعل یا جعل کند. واردات اسناد یا اوراق بهادار یا حواله های صادره از بیت المال به قصد برهم زدن اوضاع پولی، بانکی یا اقتصادی یا اخلال در نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی و یا استفاده آگاهانه از آنها برای جعلی بودن در صورت معلوم بودن مفسد و خصمانه ناشد خواهد بود. به پنج تا



بیست سال حبس محکوم شد.

کلاهبرداری: کلاهبرداری جرمی است که این روزها همه ما درباره آن می شنویم و ممکن است برخی از ما درگیر کلاهبرداری های اینترنتی و غیره باشیم. کلاهبرداری یعنی کسی با فریب دادن شخص دیگری و داشتن نیت بد، مال دیگری را به سرقت ببرد. طبق ماده ۱ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری: «کسی که مردم را به وجود شرکت یا تجارت یا کارخانه یا مؤسسه صوری یا تصرف اموال و اختیارات صوری فریب دهد یا آنها را به امور غیر واقعی امیدوار کند. از طریق حيله و تقلب.» یا ترس از حوادث و اتفاقات غیر واقعی یا نام یا عنوان جعلی به دست آورد و وجوه یا اموال و اسناد و قبوض و قبوض و موجودی حساب و مانند آن را از یکی از طرق مذکور یا سایر وسایل متقلبانه به دست آورد و از این طریق در صورتی که پول دیگری را می گیرد، کلاهبرداری محسوب می شود و علاوه بر انکار اصل مال به مالک، به حبس از ۱ تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل وجهی که برداشته محکوم می شود. در صورتی که شخصی که از طرف سازمان ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت های دولتی یا شوراها یا شهرداری ها یا مؤسسات انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و نیروهای مسلح مرتکب عمل خلاف عنوان یا سمت مأموریت شود. و مؤسسات و مؤسساتی که برای خدمت به مردم گمارده شده اند یا با استفاده از تبلیغات عمومی از طریق وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا سخنرانی در مجامع یا انتشار آگهی چاپی یا مکتوب انجام شده باشد یا مرتکب کارمند دولت باشد یا مؤسسات و سازمان های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری ها یا مؤسسات انقلابی خدمات عمومی علاوه بر انکار اصالت مال به صاحب آن به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و انفصال دائم از خدمات دولتی و پرداخت یک نفر محکوم خواهند شد. جریمه ای معادل پولی که دریافت کرده است.

جرایم مالیاتی: جرایم مالیاتی به دلیل وابستگی کشور به درآمدهای مالیاتی در ماده ۲۷۴ اصلاحیه قانون مالیات های مستقیم شناسایی می شود. این جرایم که از جرایم اقتصادی



محسوب می شوند عبارتند از: «تنظیم دفاتر، اسناد و مدارک جعلی و استناد به آنها / اختفاء فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد حاصل از آن / جلوگیری از دسترسی مأموران مالیاتی به اطلاعات مالیاتی و اقتصادی خود یا افراد ثالثا. در اجرای ماده ۱۸۱ قانون مالیات های مستقیم و خودداری از انجام تکالیف قانونی ارسال مکرر اطلاعات مالی موضوع مواد ۱۶۹ و ۱۶۹ به سازمان امور مالیاتی کشور و وارد کردن زیان به دولت با این اقدام / عدم انجام تکالیف قانونی مربوط به مالیات های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده در رابطه با اخذ یا کسر مالیات از سایر مودیان و تحویل آن به سازمان امور مالیاتی در موعد مقرر قانونی / تعدیل معاملات و قراردادهای خود به نام دیگران یا معاملات و قراردادهای سایر مؤدیان به نام خود بر خلاف واقع / خودداری از انجام تکالیف قانونی در خصوص تنظیم و تسلیم اظهارنامه مالیاتی حاوی اطلاعات درآمد و هزینه در سه سال متوالی با استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر به منظور فرار مالیاتی.

سایر جرایم اقتصادی: جرایم اقتصادی دامنه وسیعی دارد، در واقع می توان گفت که ویژگی جرایم اقتصادی به طور کلی این است که به نظم و امنیت در اقتصاد کشور آسیب وارد می کند و منجر به بیماری و اختلال در این نظام می شود. از دیگر مواردی که جرایم اقتصادی محسوب می شود می توان به رانت و رانت خواری، احتکار، قاچاق ارز و کالا، تخلفات گمرکی، ربا و ... اشاره کرد.



منابع و مآخذ

الف: کتب فارسی

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی جلد ۱، چاپ نشر آزادی، ۱۳۶۷
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، چاپ نشر آزادی، ۱۳۶۷
- کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم تهران ۱۳۷۶
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی - ج - نشر ماجد - چاپ چهارم، ۱۳۸۷
- میر محمد صادقی، حسین، تحلیل مبانی حقوق جزا، انتشارات جهاد دانشگاهی، شهید بهشتی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۶ ش
- نوربها، رضا، زمینه های جرم شناسی، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، تهران ۱۳۷۷
- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ترجمه احمد آرام، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی تهران ۱۳۸۷

ب: مقالات حقوقی

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تازه های علوم جنایی، مجموعه مقالات جرم شناسی، نشر میزان ۱۳۸۸

ج: کتب عربی

- شهید ثانی زین الدین الجبعی العاملی، مسالک الافهام، ج ۳، موسسه المعارف الاسلامی، چاپ اول، قم ۱۴۱۹ قمری
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقیه، ج ۲، چاپ سوم، موسسه الامام امیر المومنین، ۱۴۱۴ ق
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۱۲۳، چاپ هفتم بیروت ۱۹۱۸ م